

# عدالت اجتماعی در اندیشه امام خمینی

□ رمضان اکبری مالسنانی

مقدمه

عدالت آرمان مقدس و دیرینه بشر است که اهمیت، فضیلت و ضرورت آن بر کسی پوشیده نیست، ولی جامعه بشری به استثنای دوران حکومت رسول اعظم اسلام (ص) و حضرت علی (ع) عدالت واقعی را ندیده و همواره از بی عدالتی و تبعیض‌های ناروا رنج می‌برد. اینک که نظام جمهوری اسلامی بر پایه احکام و قوانین اسلام به رهبری امام خمینی تحقق یافته، برقراری عدالت اجتماعی و نفی تبعیض و نابرابری بیش از هر زمان دیگر انتظار می‌رود. از این رو پژوهش پیرامون عدالت اجتماعی در اندیشه امام خمینی از جهت نظری و عملی ضرورت می‌یابد، زیرا ایشان به عنوان معمار حکومت دینی در جهان معاصر تمام بی عدالتی‌ها و نارسایی‌های اجتماعی را مورد توجه قرار داده و راه‌حل‌های مناسب ارائه نموده که باید در آثار به جا مانده از وی جستجو کرد و اصول و ضوابط را به دست آورد تا از یک سو اندیشه‌های آن بزرگوار در این زمینه روشن گردیده، مورد توجه علاقه‌مندان قرار گیرد و از سوی دیگر راهکاری باشد برای دست اندرکاران نظام اسلامی در عرصه تحقق عدالت اجتماعی و نفی تبعیض، نارسایی و نابرابری. اینک که عدالت به عنوان یک اصل مهم اسلامی و اجتماعی در اندیشه حضرت امام جایگاه



خاص دارد، جای تردید نیست، اما مسئله اصلی این است که عدالت در حوزه ارتباط حکومت با مردم ابعاد گوناگون دارد. آیا حضرت امام عدالت را به صورت کلی و سر بسته مطرح نموده یا ابعاد مختلف آن را مورد توجه قرار داده و مکانیسم اجرای آن را در هر عرصه به تناسب آن بیان فرموده‌اند؟

فرض ما این است که حضرت امام با توجه به روشن بینی و ژرف اندیشی در مسایل و اهمیت دادن به اجرای احکام اسلامی، ابعاد مختلف عدالت اجتماعی را مورد توجه قرار داده و کارگزاران نظام را در جهت تحقق آن سفارش نموده‌اند. تتبع در آثار او شاید این فرضیه را به اثبات برساند. به منظور دستیابی به آرا و اندیشه‌های حضرت امام در این حوزه، ابتدا به بررسی مفهوم عدالت اجتماعی می‌پردازیم آنگاه ماهیت عدالت از دیدگاه حضرت امام و جایگاه عدالت در اسلام را مورد مطالعه قرار می‌دهیم، سپس ابعاد عدالت اجتماعی را در آرای حضرت بررسی می‌کنیم.

واژگان کلیدی: امام خمینی، عدالت اجتماعی، حکومت، مردم، روابط، تبعیض، ابعاد عدالت اجتماعی

### مفهوم عدالت

واژه عدل و عدالت در لغت به معنای انصاف، میانه روی، برابری کردن چیزی با چیزی، مساوات در مکافات، نیکی به نیکی و بدی به بدی آمده است. عدالت در یک تعبیر به «وضع کل شیء فی موضعه» و در تعبیر دیگر به «اعطاء کل ذی حق حقه» آمده است.

### مفهوم اصطلاحی عدالت

ارسطو گفته: «عدالت به معنای خاص برابر داشتن اشیاء و اشخاص است، هدف عدالت همیشه تأمین تساوی ریاضی نیست، مهم این است که میان سود و زیان و تکالیف و حقوق اشخاص تناسب و اعتدال رعایت شود. در تعریف عدالت می‌توان گفت: عدالت اجتماعی فضیلتی

است که به موجب آن باید به هر کس آن چه حق اوست داد.<sup>۱</sup> این تعریف ناظر به اعطاء کل ذی حق حقه است.

افلاطون می‌گوید: «عدالت اجتماعی آن است که هر شخص در جامعه به کاری گمارده شود که در اجرای آن توانایی بیشتر داشته باشد و بهتر از دیگران انجامش دهد».<sup>۲</sup> این تعریف ناظر بر شایسته‌سالاری است.

تعریف دیگر: «عدالت اجتماعی یعنی با هر یک از افراد جامعه به گونه‌ای رفتار شود که مستحق آن است و در جایی، جای داده شود که سزاوار آن است. به عبارت دیگر هر کس براساس کار، امکانات فکری، و ذهنی و جسمی بتواند از موقعیت‌های متناسب و نعمات برخوردار شود».<sup>۳</sup>

استاد محمد تقی جعفری می‌نویسد: «عدالت اجتماعی عبارت است از «رفتار مطابق قانون» و هر قانون از یک واقعیتی کشف می‌کند، بنابراین انحراف از قانون صحیح، انحراف از واقعیت است و چون انسان در روابط خود با سایر انسان‌ها مانند روابطش با طبیعت خلاء‌پذیر نیست پس به طور قطع با اعراض از واقعیت، رابطه با ضد واقعیت برقرار خواهد کرد».<sup>۴</sup>

علامه طباطبایی آورده است: «عدالت اجتماعی عبارت است از این که با هر یک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن است و در جایی، جای داده شود که سزاوار آن است... عدالت در بین مردم آن است که هر کس را در جایی که به حکم عقل و یا شرع که مستحق آن است قرار دهی، نیکوکار را به خاطر احسانش احسان کنی و بدکار را به خاطر بدی‌اش عقاب نمایی و حق مظلوم را از ظالم بستانی و در اجرای قانون قابل به تبعیض نشوی».<sup>۵</sup>

شهید مطهری می‌گوید: «عدالت این نیست که همه مردم در محصول رنج و زحمت و کار یکدیگر شریک باشند، بلکه عدالت رعایت استحقاق است. عدالت یعنی همه مردم بهره و سهمی را که در زمین یا اجتماع دارند و آن را به فعلیت برسانند، به آنها برسد حتی تکالیف و رنج و زحمتی هم که به آنها تحمیل می‌شود متناسب با حق و بهره آنها باشد، نه اینکه یکی مشغول باشد به کار و یکی حق و بهره را ببرد».<sup>۶</sup>

عدالت اجتماعی نمود و ابعاد گوناگون دارد از این رو تعریف واحد و جامع مشکل به نظر



□ احکام و قوانین اسلام شأنی از شئون حکومت‌اند و مطلوبیت ذاتی ندارند بلکه ابزار و وسایل برای اجرای حکومت اسلامی و گسترش عدالت است

□ مبارزه ملت ایران تا استقرار جمهوری اسلامی که متضمن استقلال کشور و آزادی ملت و تأمین عدالت اجتماعی باشد ادامه خواهد یافت

می‌رسد، ولی می‌توان به ابعاد مهم آن اشاره کرد که در تعاریف یاد شده هم به آنها توجه شده است.

۱- عدالت اجتماعی از یک جهت این است که هر چیزی و هر کسی در جایگاه متناسب خود قرار گیرد.

۲- عدالت اجتماعی با حق در ارتباط است که باید حق هر ذی حق به خودش داده شود.

۳- عدالت اجتماعی عمومیت و کل‌نگری آن است که حقوق و منافع همه افراد جامعه حفظ شود.

۴- عدالت اجتماعی در قانون است که قوانین حاکم بر یک جامعه عادلانه و جامع باشد.

۵- قانون عادلانه کافی نیست باید مجریان عادل و صالح وجود داشته باشند و بخشهای مختلف قوای حاکمه قوانین را عادلانه و به دور از تبعیض اجرا نمایند و همه در برابر قانون یکسان باشند.

در نتیجه می‌توان گفت عدالت در هر بعد از ابعاد اجتماع به یکی از این ویژگی‌ها برمی‌گردد و «رفتار مطابق قانون عادلانه و جامع» همه را پوشش می‌دهد که نتیجه آن توزیع عادلانه

ثروت، قدرت، امکانات و فراهم نمودن زمینه‌ها و شرایط رشد، توسعه همه جانبه و امنیت برای تمام افراد جامعه است.

### مفهوم عدالت از دیدگاه امام خمینی

امام خمینی با اینکه عنایت خاص به تحقق عدالت اجتماعی داشت، تعریف مشخص از عدالت اجتماعی ارائه نکرده بلکه با توجه به ابعاد گسترده عدالت اجتماعی در موقعیت‌های مختلف آن به کار برده که در هر موقعیت معنای متناسب با آن را لحاظ نموده است که به قسمت‌هایی از گفتار ایشان اشاره می‌گردد.

در کتاب البیع هدف کلی احکام و قوانین اسلامی را برپای و گسترش عدالت قلمداد می‌کند: احکام و قوانین اسلام شأنی از شئون حکومت‌اند و مطلوبیت ذاتی ندارند بلکه ابزار و وسائل برای اجرای حکومت اسلامی و گسترش عدالت است.<sup>۷</sup>

در کتاب ولایت فقیه عدالت را حکمت الهی دانسته که در چارچوب احکام و قوانین الهی تحقق می‌پذیرد: «حکمت آفریدگار بر این تعلق گرفته که مردم به طریقه عادلانه زندگی کنند و در حدود احکام الهی قدم بردارند، این حکمت همیشگی و از سنتهای خداوند متعال و تغییرناپذیر است».<sup>۸</sup>

در بیان دیگر تشکیل حکومت برای اجرای عدالت را برترین عبادت دانسته که انبیاء در این راه تلاش و مبارزه نموده‌اند... «و اما حکومت حق برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی همان است که مثل سلیمان ابن داود و پیامبر عظیم‌الشأن اسلام - صلی الله علیه و آله - و اوصیای بزرگوارش برای آن کوشش می‌کردند، از بزرگترین واجبات است و اقامه آن از والاترین عبادات».<sup>۹</sup>

در ارتباط با حکومت حضرت پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) می‌فرماید: «پیغمبر اسلام(ص) تشکیل حکومت داد... انگیزه بسط عدالت اجتماعی ... و حکومت علی بن ابی طالب - علیه السلام - نیز با همان انگیزه به طور وسیع‌تر و گسترده‌تر از واضحات تاریخ است».<sup>۱۰</sup>



در این بیانات اهمیت عدالت اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته و انگیزه حکومت انبیاء و اولیا گسترش عدالت اجتماعی دانسته شده که ابعاد مختلف عدالت اجتماعی را در بر می‌گیرد.

در بیان دیگر یکی از اهداف مبارزه علیه رژیم طاغوت را تأمین عدالت اجتماعی می‌داند: خواست ملت ایران تنها رفتن شاه نیست بلکه مبارزه ملت ایران تا استقرار جمهوری اسلامی که متضمن استقلال کشور و آزادی ملت و تأمین عدالت اجتماعی باشد، ادامه خواهد یافت.<sup>۱۱</sup>

حضرت امام در وصیتنامه خود اجرای عدالت اجتماعی را به صورت فراگیر مطرح نموده که ساحت‌های مختلف اجتماعی را در بر می‌گیرد و ناظر بر روابط حکومت با مردم است: «اجرای قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستمگری و حکومت جائرانه و بسط عدالت فردی و اجتماعی و منع از فساد و فحشاء و انواع کجروی‌ها و آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خودکفایی و جلوگیری از استعمار و استثمار و حدود و قصاص و تعزیرات بر میزان... عدل و انصاف و صدها از این قبیل، چیزهایی نیست که با مرور زمان و در طول تاریخ بشر و زندگی اجتماعی کهنه شود».<sup>۱۲</sup> در این بیان اجرای قوانین براساس عدل و گسترش عدالت در تمام عرصه‌ها مورد تأکید قرار گرفته است.

از مجموع بیانات حضرت امام که عدالت را در عرصه‌های مختلف به کار برده معانی زیر قصد شده است:

۱- عدالت به معنای قایل نشدن امتیاز برای قشرهای خاص مگر با امتیازات انسانی که خود آنها دارند.<sup>۱۳</sup>

۲- عدالت به معنای اینکه طبقات مختلف به طبقات پایین ظلم نکنند، باید حق مستمندان داده شود... این طور مسائلی که زورگویی باشد نیست. طبقه غنی نمی‌تواند بر طبقه فقیر زور بگوید، نمی‌تواند استثمار بکند نمی‌تواند آنها را با اجر کم وادار به عمل‌های زیاد بکند... باید مستضعفین حمایت بشوند.<sup>۱۴</sup>

۳- عدالت یعنی قیام انسان‌ها به قسط که به معنای رفع ستمگری‌هاست.<sup>۱۵</sup>

۴- بسط عدالت یعنی رفع ایادی ظلمه و تأمین استقلال و آزادی و تعدیل ثروت به طور

عاقلانه و قابل عینیت و عمل در اسلام.<sup>۱۶</sup>

با توجه به گستردگی ابعاد عدالت اجتماعی، حضرت امام در موقعیت‌های مختلف آن را به کار برده که می‌شود گفت در چهارمحور به مفهوم عدالت توجه شده است:

الف: اجرای قوانین بر معیار قسط و عدل به منظور جلوگیری از ستمگران و حکومت جابرانه.

ب: بسط عدالت فردی و اجتماعی به منظور منع فساد و فحشاء و انواع کجروی‌ها.

ج: آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خودکفایی به منظور جلوگیری از استعمار و

استثمار.

د: اجرای حدود قصاص و دیات بر میزان عدل به منظور جلوگیری از فساد و تباهی جامعه.

به نظر می‌رسد بیان حضرت امام در کتاب بیع یک تفسیر جامع از عدالت اجتماعی است که تصریح دارد به اینکه: احکام و قوانین اسلام شأنی از شئون حکومتند و مطلوبیت ذاتی ندارند بلکه ابزار و وسایل برای اجرای حکومت اسلامی و گسترش عدالت اجتماعی است.<sup>۱۷</sup>

این تعبیر می‌رساند که قوانین اسلامی قوانین عادلانه و کامل است. اگر این قوانین به صورت درست و بدون تبعیض در جامعه اجرا گردند و روابط حکومت با مردم و روابط افراد جامعه با یکدیگر براساس این قوانین صورت بگیرد عدالت اجتماعی نیز تأمین خواهد شد. زیرا اگر رفتار مطالب قانون را بشکافیم، اسلام در تمام عرصه‌های اجتماعی قانون دارد و اگر این قوانین در هر عرصه رعایت شود عدالت نیز در آن عرصه محقق می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت منظور حضرت امام از عدالت اجتماعی در هر زمینه احترام و پایبندی به احکام و قوانین اسلام است.

### جایگاه عدالت اجتماعی در اسلام

عدالت در اسلام یکی از اصول اعتقادی شیعه است و به دو بخش عدل الهی و عدالت اجتماعی تقسیم می‌گردد که آیات و روایات زیادی در باب اهمیت و ضرورت آن وارد شده که به چند نمونه اشاره می‌گردد:

در قرآن کریم هدف از بعثت پیامبران استقرار قسط و عدالت در جامعه بیان شده: «لقد ارسلنا



□ حکومت حق برای نفع مستضعفین و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه قسط و عدالت اجتماعی همان است که مثل سلیمان ابن داود و پیامبر عظیم الشان اسلام و اوصیای بزرگوارش برای آن کوشش می کردند و از بزرگترین واجبات است و اقامه آن از والاترین عبادات

رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و لمیزان ليقوم الناس بالقسط...»<sup>۱۸</sup> در آیه دیگر به پیامبر بزرگوار اسلام (ص) دستور می دهد که به مردم بگو، من مأمور شده‌ام تا عدالت را میان شما برقرار کنم یعنی همه را به یک چشم بینم، قوی را بر ضعیف، غنی را بر فقیر، سفید را بر سیاه، عرب را بر غیر عرب و هاشمی را بر غیر هاشمی ترجیح و برتری ندهم.<sup>۱۹</sup> «قل آمنت بما انزل الله من الكتاب و امرت لاعدل بینکم».<sup>۲۰</sup>

حضرت پیامبر (ص) یک ساعت اجرای عدالت را در جامعه برتر از هفتاد سال عبادت دانسته که شبهایش را به نماز بایستد و روزهایش را روزه بگیرد: «عدل ساعه خیر من عبادت سبعین سنه قیام لیلها و صیام نهارها».<sup>۲۱</sup> امام علی (ع) اصلاح و بهبودی اجتماع را تنها از طریق اجرای عدالت امکان پذیر می داند: «الرعیه لا یصلحها الا العدل».<sup>۲۲</sup> اینک که مفهوم عدالت اجتماعی و دیدگاه امام خمینی درباره عدالت و جایگاه عدالت در اسلام بیان شد، به بررسی ابعاد عدالت اجتماعی در اندیشه حضرت امام می پردازیم که محور اصلی این نوشتار است.

## عدالت قانونی

منظور از عدالت قانونی، عدالت در قانون گذاری است که قوانین براساس عدل و انصاف



تشریح گردد، حقوق تمام گروه‌ها و افراد جامعه در آن رعایت شود و حقوق و تکالیف با هم تناسب داشته باشد. در دنیا شاهد قوانین غیر عادلانه هستیم که میان بخشهای اجتماع به علت رنگ، نژاد، عقیده، جنسیت و منطقه تبعیض گذاشته و گروههای عظیم جامعه را از حقوق انسانی شان محروم نموده‌اند. با وجود قانون تبعیض آلود هیچگاه عدالت اجتماعی تحقق نخواهد یافت، بلکه ظلم و تبعیض رنگ قانونی به خود می‌گیرد و چنین قانونی نمی‌تواند از ثبات و جامعیت برخوردار باشد.

از اینکه عدالت قانونی زیربنای عدالت اجتماعی در هر اجتماع است، امام خمینی نیز بر ضرورت و اهمیت قانون عادلانه عنایت خاص داشته، قوانین رژیم طاغوت را ناقص و عقب مانده و غیر عادلانه دانسته به لغو آن دستور می‌دهد و خواهان تشریح قوانین عادلانه می‌گردد: در ادارات سابق قوانین دست و پاگیر در مجالس غیر قانونی رژیم سابق به تصویب رسیده بود، موجب تعطیل یا تعویق امور شده و می‌شود و جامعه را به تنگ آورده است، به طور انقلابی لغو کنید و به جای آن قوانینی که رفاه حال ملت در آنها باشد، به بهترین وجه جایگزین کنید.<sup>۲۳</sup>

در بیان دیگر قوانین اسلام را مترقی‌ترین قوانین معرفی نموده می‌فرماید: رژیم جمهوری اسلامی یک رژیمی است متکی بر آرای عمومی و قانون اساسی‌اش اسلام است و باید منطبق بر قانون اسلام باشد و قانون اسلامی مترقی‌ترین قوانین است.<sup>۲۴</sup> «قوانین اسلام به نیازهای انسان پاسخ می‌گوید، این قوانین بسیار صریح و روشن هستند، اسلام روش و رفتار هر فرد را در برابر جامعه طی قوانین خاصی مدون و تنظیم کرده است. اسلام چگونگی سیاست جامعه را در رابطه با اقلیت‌های مذهبی مشخص ساخته است، از این نظر قوانین اسلام واقعاً پیشرو و پیش‌آهنگ هستند.»<sup>۲۵</sup>

حضرت امام در ارتباط با قانون روی سه محور تأکید دارند: اول اینکه حکومت اسلامی حکومت قانون است و قانون آن الهی است. «در مملکت اسلامی باید قانون خدا حکومت کند و غیرقانون خدا هیچ چیزی حکومتی ندارد.» «اسلام حکومتش حکومت قانون است، یعنی قانون الهی، قانون قرآن و سنت»<sup>۲۶</sup> «حکومت اسلام حکومت قانون است».<sup>۲۷</sup>

دوم اینکه در حکومت اسلامی قانونگذاری به معنای متعارف آن مطرح نیست که قوه مقننه



□ با وجود قانون تبعیض آلود هیچگاه عدالت اجتماعی تحقق نخواهد یافت بلکه ظلم و تبعیض رنگ قانون به خود می‌گیرد و چنین قانونی نمی‌تواند از اثبات و جامعیت برخوردار باشد.

قانون تشریح کند، بلکه قانونگذاری در اختیار خداوند است و قوه مقننه با استفاده از اصول و کلیات، مصادیق و جزئیات را تعیین می‌کند: «ما نیز معتقدیم که قانونگذاری برای بشر تنها در اختیار خدای تعالی است، همچنان که قوانین هستی و خلقت را نیز خداوند مقرر فرموده است و سعادت و کمال انسان و جوامع تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است که توسط انبیاء به بشر ابلاغ شده است».<sup>۲۸</sup>

حضرت امام در یک مقایسه میان قوانین الهی و قوانین بشری می‌فرماید: قانونی که با زحمت‌های علمای شیعه توضیح و تفریح شده است، غنی‌ترین فقه است، غنی‌ترین قوانین است در دنیا. قانونی در دنیا به این غنا نیست آنهایی که زمینی‌اند و اهل زمین درست کرده‌اند اینها به اندازه ادراک ضعیفی که اگر چنانچه مغز انسان را (در روایت است) یک گنجشک بخورد سیر نمی‌شود، با این مغزها درست شده است همه اینها ناقص است در هر جای که این قوانین درست شده است یک قوانینی ناقصی است، آن هم برای یک محیط خاص آن هم برای یک وضع خاص.<sup>۲۹</sup> «قانون ما اسلام و مدون است چیزی نیست که ما بخواهیم برایشان تعیین کنیم».<sup>۳۰</sup>

محور سوم: با اینکه حضرت امام قانونگذاری را حق خداوند می‌داند، دستگاه قانونگذاری را به دقت و تعمق توصیه نموده که در تدوین و تنظیم قوانین و مقررات خطا و اشتباه رخ ندهد و قانون جامع و عادلانه تنظیم شود: آنکه الآن مطرح است آنهایی است که اساس مملکت ما است، اگر در قانون اساسی ما یک خدشه بشود یک اشتباه باشد یا عمدی یا خطا این سرنوشت یک

مملکت را عوض می کند.<sup>۳۱</sup>

از نظر امام خمینی تنظیم قانون عادلانه یک اصل مهم است و تنها قانون عادلانه قانون الهی است و سهم بشر در قانونگذاری در حد تفریع و تنظیم است که توسط کارشناسان با دقت کامل انجام گیرد.

### عدالت حاکم و مدیران

تنها قانون عادلانه برای تحقق عدالت اجتماعی کافی نمی باشد، قانون وقتی مفید است که مجریان عادل داشته باشند. از این رو هیئت حاکمه و مدیران نظام در بخشهای مختلف حکومت، عدالت را سرلوحه کار خود قرار دهند و در اجرای وظایف خود طبق قانون رفتار نمایند، از خود سری و اعمال سلیقه های شخصی که منجر به تبعیض و بی عدالتی می گردد خودداری نمایند. از سوی دیگر مدیران جامعه باید صفات و شایستگی های افراد را در نظر داشته با هر فرد مطابق استعداد و تلاش و صداقتی که در پیشرفت امور اجتماع دارد برخورد نمایند. یعنی در ارائه امکانات و خدمات میان تمام افراد مساوات را رعایت کنند. اما در تفاوت کوششها و تلاشها به تناسب آن تفاوت قایل شوند.

اسلام در باب عدالت زمام داران و مدیران با دقت و ظرافت تأکید فراوان دارد که اولاً مدیران عدالت شخصی داشته از هر نوع انحراف و آلودگی پاک باشند، چنانچه حضرت امیر(ع) می فرماید: «کیف یعدل فی غیره من یظلم نفسه» کسی که با ارتکاب هر نوع گناه و معصیت نسبت به خود ظالم باشد چگونه می تواند نسبت به دیگران عدالت بورزد.<sup>۳۲</sup> ثانیاً مدیران به عنوان مجریان قانون، در اجرای قانون تبعیض قابل نشده قانون را نسبت به همه یکسان اجرا کنند. حضرت علی(ع) به عمر می فرماید: «ای عمر اگر به سه چیز مقید باشی کارهای دیگرت هم درست می شود و اگر به این سه عمل نکنی کارهای دیگرت ارزش ندارد. عمر پرسید آن سه تا چیست؟ حضرت فرمود: اول: اجرای احکام خدا بر دور و نزدیک بدون تبعیض. دوم: حکم کردن طبق کتاب خدا در حال خوشی و ناراحتی. سوم: تقسیم عادلانه بیت المال و سایر حقوق عمومی بین تمام مردم



بدون تبعیض در رنگ و نژاد».<sup>۳۳</sup> این فرمایش حضرت امیر(ع) بسیار جامع و آموزنده است که جا دارد با آب طلا نوشته شود و سرلوحه رفتار مدیران دولت اسلامی قرار گیرد.

ثالثاً: مدیران به منظور تشویق نیکان در نیکوکاری و جلوگیری از ادامه بدکاران در بدی، شایستگی‌های افراد را در نظر داشته در پاداش و منزلت، عدالت را رعایت نموده میان نیکوکاران و بدکاران تفاوت بگذارند. چنانچه حضرت امیر(ع) به مالک اشتر فرموده است: «نیکوکار و بدکار نزد تو منزلت یکسان نداشته باشند، زیرا این تساوی سبب سرخوردگی و ناامیدی نیکوکار در نیکوکاری و سبب خو گرفتن بدکاران در بدی می‌شود».<sup>۳۴</sup>

امام خمینی عدالت حاکمان و مدیران را از اهداف بنیادی اسلام دانسته که هم خود مدیران دارای صفت عدالت باشند، هم عدالت را در جامعه پیاده کنند. اسلام خدایش عادل است، پیغمبرش عادل است و معصوم، قاضی هم معتبر است که عادل باشد فقیهش هم معتبر است که عادل باشد، ولات آن هم باید عادل باشند. اگر عادل نباشند و عدالت در میان زمامداران نباشد این مفساسدی که دارید می‌بینید دست اشخاص بی‌انصاف و بی‌عدالت...<sup>۳۵</sup> حکومت باید اقامه قسط و عدل کند در عین حال که معنویات را تصحیح می‌کند.<sup>۳۶</sup>

بیانات امام خمینی در ارتباط با عدالت حاکمان در دو بخش قابل بررسی است. در یک بخش بر ضرورت عدالت و اجرای آن توسط زمامداران و مصادیق آن اشاره می‌کند: ما عدالتی می‌خواهیم در این مملکت پیاده کنیم که شخص اولش با آن فرد آخر همه علی‌السواء در مقابل قانون باشند.<sup>۳۷</sup> «میل همه ما این است که ما یک حکومتی داشته باشیم همان جور حکومت‌هایی که در صدر اسلام بود، ...همه‌اش عدالت بود».<sup>۳۸</sup>

امام از حکومت حضرت علی(ع) به عنوان الگوی عدالت اجتماعی با تقدیر و تجلیل یاد نموده و می‌فرماید: برای این ۵، ۶ سال حکومت حضرت امیر(ع) باید تا آخر مسلمین جشن بگیرند، جشن برای حکومتی که اگر در یک طرف مملکتش یک زن معاهده زحمت کش بیاید یک خلخال از پای او در آورد، این حاکم آرزوی مرگ می‌کند، این حاکم، حاکمی است که با ملت هم‌رنگ است بلکه سطحش در زندگی از همه مردم پایین‌تر است و سطح روحی‌اش از همه

آفاق بالاتر است.<sup>۳۹</sup>

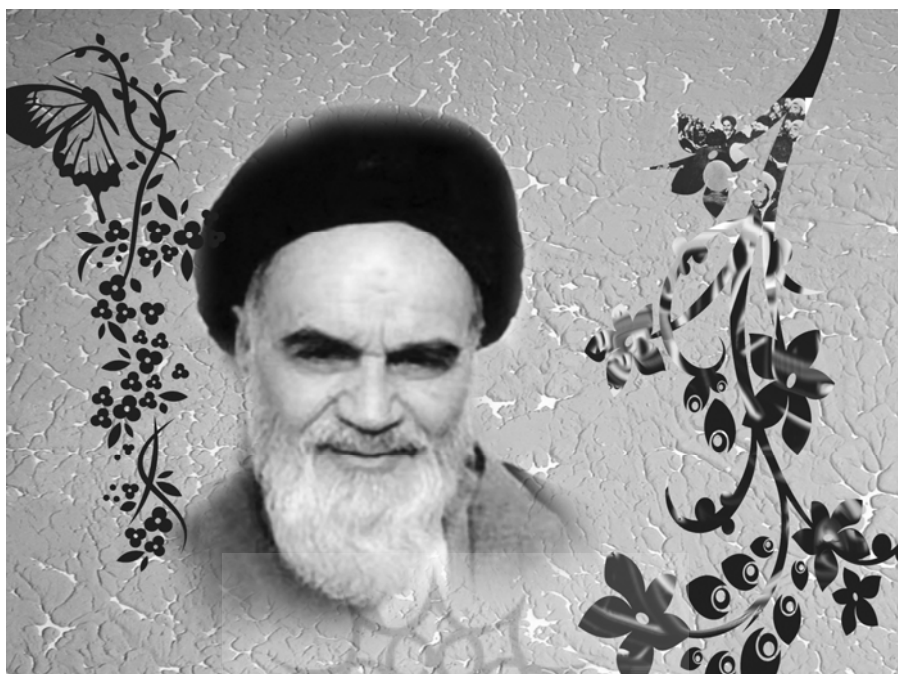
دیده می‌شود عدالت زمام‌داران و مدیران در نظام اسلامی از آرمانهای مقدس امام خمینی بوده که در مراحل مختلف و ابعاد گوناگون، زمام‌داران را توصیه نموده و الگوهای عینی آن را نیز به صورت شفاف بیان فرموده و فراروی حاکمان و مدیران قرار داده، که با تبعیت از آن الگوهای روشن عدالت اجتماعی را رعایت نمایند.

### عدالت قضایی

یکی از ارکان مهم عدالت اجتماعی عدالت قضایی است که سبب ایجاد امنیت و آرامش می‌شود. در جامعه‌ای که عدالت قضایی نباشد، امنیت و آرامش وجود نداشته‌جان، مال، ناموس و حیثیت افراد همواره مورد تجاوز قرار خواهد گرفت. عدالت قضایی با عدالت قاضی تفاوت دارد. عدالت قاضی این است که شخص قاضی دارای صفت عدالت باشد، عدالت قضایی آن است که قاضی در مقام قضاوت طبق قانون رفتار نموده، محور کارش عدل و انصاف باشد، اغراض و علایق شخصی در رأی قاضی تأثیر نگذارد، در صدر حکم نهایت دقت به خرج دهد تا حقوق افراد ضایع نگردد. عدالت قضایی در اسلام مورد تأکید فراوان قرار گرفته که به چند نمونه اشاره می‌گردد. خداوند در قرآن می‌فرماید: هرگاه میان مردم داوری نمودید به عدالت داوری کنید. «و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل»<sup>۴۰</sup> حضرت پیغمبر (ص) قاضی را از حکم کردن در حال ناراحتی و غضب منع نموده است. «من ابتلی بالقضاء فلا یقضی و هو غضبان»<sup>۴۱</sup> زیرا حکم کردن در حال ناراحتی با دقت و تعادل روحی صورت نمی‌گیرد ممکن است غیرعادلانه صادر شود و حق افراد ضایع گردد. حضرت علی (ع) در ارتباط با عدالت قاضی بیان بسیار ظریف دارد که قاضی در اشاره و نگاه کردن و نشستن در مجلس بین طرفین مساوات را رعایت نماید. «من ابتلی بالقضاء فلیواس بینهم فی الاشارة و فی النظر و فی المجلس»<sup>۴۲</sup>

امام خمینی عدالت قضایی را در مراحل مختلف مورد توجه قرار داده و قضات را از بی‌عدالتی و تخلف از قانون منع نموده است. ایشان عدالت قاضی و عدالت قضایی را از هم





تفکیک نموده در هر دو بُعد عدالت را ضروری دانسته، در مورد عدالت قاضی می‌فرماید: قضاوت حق اشخاص دانشمندی است که قضای اسلامی را بدانند و عدالت و تقوا داشته باشند و بفهمند با چه مطالبی سر و کار دارند و به چه کار بزرگی مشغول هستند که یک نفرش گاهی یک کشور را از بین می‌برد، از آن طرف کارهای خوب یک کشور را روشن می‌کند.<sup>۴۳</sup>

درباره گزینش قضات خوب و عادل خطاب به شورای قضایی وقت می‌فرماید: «از شورای محترم قضایی تقاضا می‌شود که در انتخاب قضات چه آنان که به حد صلاحیت رسیده‌اند و چه آنان که به طور مجاز مشغول می‌شوند، حد اعلای دقت را بفرمایند».<sup>۴۴</sup> چنین بیانات نشان دهنده دغدغه امام نسبت به عدالت قضات است که نکند یک زمان افراد ناصالح به منصب قضاوت برسند و دست به ظلم و بی‌عدالتی بزنند. از این رو شورای عالی قضایی وقت را به دقت در انتخاب قضات سفارش نموده که افراد شایسته و عادل را به منصب قضاوت برگزینند.

در باب عدالت قضایی چند مرحله مورد توجه حضرت امام بوده که از بیاناتش به دست

می‌آید: مرحله اول اینکه موقعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی افراد در قاضی تأثیر نگذاشته، سبب تبعیض در رفتار و صدور حکم نشود، بلکه همه را در برابر قانون یکسان دیده تحت تأثیر امور شخصی و گروهی و جناحی قرار نگیرد هر قضاوتی که پیش می‌آید به طور حق و به طور عدالت بدون نظر به اینکه این آدم چیست، حتی یک مجرم درجه اول وقتی که آمد، روی حق و عدالت به او نظر نکنید و حکمی که صادر می‌کنید یک حکم عادلانه باشد که در محضر حق تعالی وارد می‌شوید مورد اشکال نباشید و رو سفید باشید.<sup>۴۵</sup>

در مرحله دوم قضاات را به رعایت مقررات و ضوابط شرعی سفارش نموده می‌فرماید: «محاكمه‌ها هم باید محاکمات عادلانه باشد، بر طبق موازین شرعی باشد».<sup>۴۶</sup> در بیان دیگر فرموده است «که قضاات محترم دادگاه‌های کشور باید با جدیت به کار خودشان ادامه دهند و دقت نمایند بر خوردها و احکام صادره بر وفق ضوابط شرعی و مقررات قانونی باشد. و در حفظ حقوق شرعی و قانونی مراجعین کمال احتیاط مراعات شود».<sup>۴۷</sup>

مرحله دیگر اجرای حدود و احکام بر تمام افراد است و هیچ کسی استثنا ندارد: «در اجرای حکم و حدود الهی احدی مستثنی نیست حتی اگر خدای نخواست رهبر انقلاب یا رئیس دولت مرتکب چیزی شد که موجب حد شرعی است باید در مورد او اجرا شود».<sup>۴۸</sup> این بیان حضرت امام اوج عدالت خواهی ایشان را در اجرای احکام نشان می‌دهد، که چنین اندیشه بلند در هیچ یک از رهبران سیاسی جهان به استثنای معصومین (ع) دیده نشده است.

مصادق دیگر عدالت اجتماعی از نظر امام، رفتار قضاات و مقامات امنیتی با فرد متهم است که قبل از اثبات جرم و صدور حکم، کسی حق ندارد متهم را شکنجه نماید یا سخن درشت بگوید، بلکه بعد از صدور حکم، طبق قانون مجازات شود، یک ذره کم یا زیاد نشود. در حالی که امروز در برخی کشورها مقامات امنیتی و قضایی با شکنجه از متهم اقرار می‌گیرند، یا قبل از اثبات جرم هر نوع اذیت، توهین، و ضرب و شتم را بر متهم روا می‌دارند، که حضرت امام چنین رفتاری را به شدت نهی کرده‌اند چون این رفتار برخلاف دستورات اسلام است: در اجرای حدود نباید از آن حدودی که حق تعالی فرموده است پایین‌تر عمل شود و نباید زیادتر عمل شود، حتی

آن کسی را که الان محکوم به قتل شده است و می‌برند در جایی که او را بکشند، هیچ کس حق ندارد یک کلمه درشت بگوید به او، اجرای حکم خداست، اگر کسی یک سیلی به او زد او حق دارد در همان جا یک سیلی برگرداند و باید دیگران کمک کنند تا او قصاص بکند، آن کسی که درشتی کرده است تعزیر لازم دارد، باید قوه قضائیه تعزیر بکند او را. از آن طرف هم اگر تقصیر بکند در این، یک کسی مستحق هفتاد مثلاً شلاق است، شصت تا بزند، این هم تقصیری است که در حکم خدا شده و خیال نکند که این رحمتی است، بلکه این یک امری است که معصیت خداست، اجرای حدود به آن طوری که خدای تبارک و تعالی فرموده است بشود.<sup>۴۹</sup>

نکته مهم در قضاوت شناسایی مجرم است که ابتدا شخص مجرم شناسایی شود بعد محاکمه صورت بگیرد. اگر در شناسایی مجرم کوتاهی شود ممکن است به جای مجرم واقعی، فرد بی‌گناه محاکمه و مجازات شود و مجرم واقعی اصلاً محاکمه نشود، که این کار ظلم بزرگ و نقض غرض از تشریح مجازات است. حضرت امام با توجه به اهمیت شناسایی مجرم، قضاوت را به این نکته توجه داده است: از مهماتی که باید عرض کنم دقت در امر قضاء است، وقتی نوامیس مردم مالهای مردم تحت نظر شماست نباید مسامحه بشود، خدای نخواستہ یک غیر مجرمی، مجرم شناخته شود، یا یک مجرمی که باید حد الهی برایش جاری شود غیر مجرم شناخته بشود. در امر قضاء کمال دقت را کرد، مبدا به دست یکی، یک ظلم واقع بشود.<sup>۵۰</sup>

بنابراین عدالت در تمام ابعاد آن مورد توجه حضرت امام بوده است. عدالت قضایی آن است که اولاً شخص قاضی عادل و با تقوا باشد. ثانیاً در تمام مراحل از آغاز محاکمه تا صدور حکم و اجرای حکم، طبق ضوابط و مقررات اسلامی و قانونی عمل شود و یک ذره از مقررات تخلف صورت نگیرد، اگر تخلف شود بی‌عدالتی و خلاف حکم خداوند است.

## عدالت اقتصادی

از آنجا که اقتصاد جایگاه عظیم و نقش تعیین کننده در توسعه و پیشرفت اجتماع دارد، عدالت اقتصادی نیز از اهمیت بالا برخوردار است. در جامعه‌ای که هر نوع عدالت باشد اما عدالت



اقتصادی نباشد آن جامعه بیمار است، زیرا بی‌عدالتی اقتصادی بیکر واحد جامعه را به دو قطب برخوردار و محروم تقسیم می‌کند و ظلم و ستم فراوان بر فقرا و محرومین روا داشته می‌شود، وحدت ملی خدشه‌دار گردیده، هر نوع آسیب داخلی و خارجی جامعه را تهدید می‌کند.

عدالت اقتصادی عبارت است از توزیع عادلانه امکانات، زمینه‌ها و فرصت‌های شغلی، منابع و ثروت عمومی به حسب شایستگی و استعداد افراد و جلوگیری از انحصار و تراکم ثروت، احتکار، رباخواری، غضب منابع اقتصادی و اسراف و تبذیر. البته ادعای ما این نیست که تمام افراد جامعه در یک سطح زندگی قرار گیرند، زیرا استعدادها و توانایی‌های افراد تفاوت دارد. قهراً کمیت و کیفیت تلاش و فعالیت نیز فرق می‌کند. آنکه بازدهی و تولید بیشتر دارد یا شغلش از اهمیت بالا برخوردار است، درآمدش نیز با دیگران تفاوت می‌کند. بلکه منظور این است که زمینه برای همه فراهم شود، آن وقت هر کس به اندازه توان و استعداد خود امتیازات به دست می‌آورد. کسانی که به دلیل ضعف جسمی یا فکری یا علل و عوامل دیگر دچار فقر می‌شوند فراموش نگردیده، از سوی دولت و ثروتمندان به آنها رسیدگی شود تا آنها هم بتوانند به زندگی آبرومندانه خویش ادامه دهند.

عدالت اقتصادی در اسلام بسیار دقیق و جامع مطرح گردیده از یک طرف فعالیت‌های اقتصادی غیرعادلانه تحریم شده، از سوی دیگر فعالیت‌های عادلانه اقتصادی و گردش ثروت به طور سالم و عمران و آبادانی زمین و تأمین معاش از راه‌های قانونی و عادلانه مورد تأکید و تشویق قرار گرفته و نیز به منظور تعادل اجتماعی و پر نمودن فاصله طبقاتی، در اموال ثروتمندان برای فقرا و مستمندان جامعه سهمی قرار داده شده تا جلو فقر و تمرکز ثروت گرفته شود.

در قرآن به معاملات قانونی و سالم اجازه داده شده و از ربا که جذب ظالمانه مال دیگران است و پیامدهای منفی فراوان دارد، نهی شده: «احلّ الله البیع و حرّم الربا»<sup>۵۱</sup> اسراف و تبذیر که سبب اتلاف نعمت‌های الهی است، به شدت نکوهش گردیده و از اسراف‌گران و برادران شیاطین تعبیر شده: «ولاتبذر تبذیرا ان المبذرين كانوا اخوان الشیاطین».<sup>۵۲</sup>

چنین تمرکز و انحصار غیرعادلانه ثروت بدون پرداخت مالیات شرعی و واجبات مالی آن



□ تنها قانون عادلانه برای تحقق عدالت اجتماعی کافی نیست. قانون وقتی مفید است که مجریان عادل داشته باشد

□ حضرت امیر می‌فرماید کسی که با ارتکاب هر نوع گناه و معصیت نسبت به خود ظالم باشد چگونه می‌تواند نسبت به دیگران عدالت بورزد

گناه عظیم شمرده شده و از آن نهی شده است: «والذین یکنزون ذهب و الفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم»<sup>۵۳</sup> از مظاهر عدالت اقتصادی در اسلام این است که برای فقرا و مستمندان و کسانی که از تهیه معاش خود عاجزند در اموال ثروتمندان سهمی قرار داده که آیات و روایات زیادی در این زمینه وارد شده که به یک نمونه آن اشاره می‌گردد: «ان الله فرض فی اموال الاغنیاء اقوات الفقراء فما جاع فقیر الا بما منع غنی والله تعالی سائلهم عن ذلک»<sup>۵۴</sup> حضرت علی (ع) فرموده: خداوند معاش فقرا را در اموال ثروتمندان قرار داده پس هیچ گاه فقیری گرسنه نمی‌ماند مگر اینکه ثروتمندی حق او را نپرداخته باشد و خداوند از این کار آنان بازخواست می‌کند.

امام خمینی نظام اقتصادی اسلام را غیر از نظام سرمایه‌داری و مارکسیستی می‌داند. از نظر ایشان سایر نظامهای اقتصادی، غیر عادلانه بوده و تنها نظام اقتصادی اسلام، نظام سالم و عادلانه است و از این طریق می‌شود به عدالت اجتماعی رسید. امام درباره رویکرد کلی اقتصاد اسلامی می‌فرماید «اسلام نه با سرمایه‌داری ظالمانه و بی‌حساب و محروم‌کننده توده‌های تحت ستم و مظلوم موافق است، بلکه آن را به طور جدی در کتاب و سنت محکوم می‌کند و مخالف عدالت اجتماعی می‌داند... و نه رژیم کمونیسم و مارکسیسم لنینیسم... بلکه اسلام یک رژیم معتدل با

شناخت مالکیت و احترام به آن به نحو محدود در پیدا شدن مالکیت و مصرف که اگر به حق به آن عمل شود، چرخ‌های اقتصاد... و عدالت اجتماعی که لازمه یک رژیم سالم است، تحقق می‌یابد.<sup>۵۵</sup> ایشان فقر و محرومیت توده‌های عظیم جامعه را که میراث نظام ظالمانه طاغوتی بوده بر نمی‌تابد و با صراحت و لحن شدید از ثروتمندان می‌خواهد که تعدیل اقتصادی بوجود بیاورند: این معنی دیگر عملی نیست که یک دسته آن بالا باشند و همه آن چیزهای را که بخواهند به نحو اعلیٰ تحقق پیدا کند پارک‌ها اتومبیل‌ها و یک دسته هم این زاغه‌نشین‌ها باشند که اطراف تهران‌اند ... این نه منطق اسلامی دارد و نه منطق انصافی دارد. شماها باید فکری برای اینها بکنید که این برای حفظ خودتان، خودتان بنشینید با هم تفاهم کنید باید فکری بکنید که این تفاوت طبقاتی به این طور نباشد یک تعدیل بشود اسلام تعدیل می‌خواهد.<sup>۵۶</sup>

امام در ارتباط با تعدیل اقتصادی و کیفیت رسیدن به عدالت اجتماعی می‌فرماید: اسلام نه جلو سرمایه را می‌گیرد و نه می‌گذارد آن طور بشود که یکی صدها میلیارد دلار داشته باشد و برای سگش اتومبیل و شوfer داشته باشد و این یکی که شب برود پیش بچه‌هایش نان نداشته باشد، نمی‌شود، این عملی نیست. نه اسلام با آن موافق است نه هیچ انسانی. این با دست شماها نصفش حل می‌شود و یک قسمت دیگرش با دولت است که برای اینها خانه درست کند ...<sup>۵۷</sup>

ایشان در یک بیان دیگر برقراری عدالت اقتصادی را از اختیارات حکومت اسلامی می‌داند که با ولایت شرعی خود در برابر انباشت بی‌حد و حصر ثروت اقدام نماید و تعدیل به وجود بیاورد: همه کسانی که دارای اموال هستند باید بنشینید فکر بکنید خودتان البته {اگر} آنها فکر نکنند ما فکر می‌کنیم. این طور نیست که ما فکر نکنیم. ما با وجوه شرعی با ولایت الهیه به آنها عمل می‌کنیم ... ما خودمان آنها را که دارای اموال زیادی هستند به حساب می‌کشیم و حساب‌هایش را رسیدگی می‌کنیم.<sup>۵۸</sup>

در جای دیگر انباشتن ثروت را خلاف مقررات اسلامی دانسته و برای مالکیت افراد محدودیت قایل می‌شود، حتی در صورتی که ثروت شخصی افراد از راه مشروع به دست آمده باشد، حاکم اسلامی می‌تواند در صورت لزوم برای رفع نیازمندی جامعه تصرف کند: اسلام اموال



□ ما عدالتی می‌خواهیم در این مملکت پیاده کنیم که شخص اولش با آن فرد آخر همه علی‌السواء در مقابل قانون باشند

□ در جامعه‌ای که عدالت قضایی نباشد امنیت و آرامش وجود نداشته، جان، مال، ناموس و حیثیت افراد همواره مورد تجاوز قرار خواهد گرفت

مجتمع را به رسمیت نمی‌شناسد در اسلام اموال مشروع و محدود به حدودی است و زاید بر آن معنی اگر فرض بکنیم یک کسی اموال هم دارد خوب اموالش هم مشروع است لکن طوری است که حاکم شرع، فقیه ولی امر تشخیص داد که این به این قدر که هست نباید باشد، برای مصالح مسلمین می‌تواند تصرف کند.<sup>۵۹</sup> دیدگاه اقتصادی حضرت امام بر محور حمایت از محرومین و مستمندان جامعه دور می‌زند، حمایت از محرومین را ارزش می‌داند و توجه به سرمایه‌داران را ضد ارزش تلقی می‌کند: خدا نیارد آن روزی را که سیاست ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها گردد و اغنیا و ثروت‌مندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار باشند<sup>۶۰</sup> از نظر ایشان روح اقتصاد اسلامی در جهت حمایت از مستضعفان و بیچارگان است: بدون شک جهان خواران به همان میزانی که از شهادت طلبی و سایر ارزش‌های ایثارگرانه ملت واهمه دارد، از گرایش و روح اقتصاد اسلامی به طرف پاپرهنگان در هراسند.<sup>۶۱</sup>

در بیان دیگر نظام اقتصادی اسلام را تنها راه حل مشکلات اقتصادی جامعه معرفی نموده که می‌تواند جلو فقر، فساد و انباشت ثروت را بگیرد: «مجموعه قواعد اسلامی در مسایل اقتصادی هنگامی که در کل پیکره اسلام به صورت یک مکتب منسجم ملاحظه شود و همه جانبه پیاده شود، بهترین شکل ممکن خواهد بود، هم مشکل فقر را از میان می‌برد و هم از فاسد شدن یک

عده به وسیله تصاحب ثروت جلوگیری می‌کند و در نتیجه کل جامعه را از فساد حفظ می‌کند و هم مانع رشد استعدادها و شکوفایی قدرت ابتکار و خلاقیت انسان‌ها نمی‌شود»<sup>۶۲</sup> بنابراین عدالت اقتصادی از نظر حضرت امام این است که نظام اقتصادی جامعه در تمام بخش‌های آن براساس مقررات و ضوابط اسلامی باشد، زیرا نظام اقتصادی اسلام یک نظام پیشرفته و عادلانه است که می‌کانبیم آن توسط کارشناسان تنظیم و مورد اجرا قرار گیرد و در جهان به عنوان یک الگوی نظام اقتصادی سالم و عادلانه عرضه گردد.

### عدالت در توزیع اطلاعات

یکی دیگر از ابعاد عدالت اجتماعی، عدالت در توزیع اطلاعات است که نظام حاکم در توزیع اطلاعات عادلانه رفتار نموده مردم را در جریان تحولات و روی دادهای ملی و بین‌المللی قرار دهد. آگاهی دادن به مردم از یک طرف اعتماد ملت را به دولت تقویت می‌کند، از سوی دیگر بینش سیاسی - اجتماعی مردم را بالا برده، حضور آنان را در صحنه‌های سیاسی - اجتماعی افزایش می‌دهد. در عصر حاضر این مسئله از اهمیت فراوان برخوردار است؛ زیرا توسعه و گسترش رسانه‌ها و ابزار اطلاع‌رسانی تمام مرزها و دیوارها را درهم شکسته، اگر نظام حاکم مردم را در جریان قرار ندهد قطعاً از رسانه‌های بیگانه در جریان قرار می‌گیرند، در آن صورت حالت بی‌اعتمادی نسبت به دولت پدید می‌آید که این حالت، نظام سیاسی را در پیش برد اهداف و برنامه‌ها آسیب‌پذیر می‌رساند.

در اسلام رابطه حکومت و مردم برپایه صداقت و اعتماد بنا گردیده که نظام اسلامی غیر از مصالح مردم به چیز دیگر نمی‌اندیشد و مردم نیز حکومت را امین و مدافع منافع خویش می‌دانند. بنابراین حکومت اسلامی از مردم چیزی را پنهان نمی‌کند و مردم را در جریان قرار می‌دهد. در قرآن کریم توزیع عادلانه اطلاعات در سطح بالای آن حتی برای دشمن مطرح گردیده، آنجا که به پیغمبر اسلام (ص) دستور می‌دهد اگر با دشمن عهد و پیمان صلح داشتی و خواستی به دلایلی آن را نقض کنی، باید به دشمن نیز خبر بدهی تا هر دو طرف به صورت عادلانه در جریان نقض



□ از ویژگیهای حضرت امام در طول دوران مبارزه و رهبری نظام، عدم پنهان کاری و صداقت با مردم بود

□ امام فرمودند: کاری نکنید که نتوانید به مردم توضیح دهید

پیمان قرار داشته باشید: «و اما تخافنّ من قوم خیانه فانبد الیهم علی سواء ان الله لایحب الخائنین».<sup>۶۳</sup> طبرسی می گوید: «النبد القاء الخبر الی من لایعلمه»<sup>۶۴</sup> نبد به معنای ارائه و اعلام خبر است به کسی که آن را نمی داند. علامه در ذیل همین آیه آورده که: «معنای آیه این است اگر از قومی که میان تو و ایشان عهدی استوار گشته و ترسیدی که در عهدت خیانت کرده و آن را بشکنند و ترست از این جهت بود که دیدی آثار آن دارد ظاهر می شود، تو نیز عهد ایشان را نزدشان بیانداز و آن را لغو کن و لغویت آن را به ایشان اعلام کن، تا شما و ایشان در شکستن عهد برابر هم شوید، چون این خود از عدالت است که تو با ایشان معامله به مثل کنی، چه اگر بدون اعلام قبلی با ایشان به جنگ وارد شوی، فردا گویند خیانت کرده و خدا خیانت کاران را دوست ندارد».<sup>۶۵</sup>

فخر رازی می گوید: «اگر آثار نقض ظهور احتمالی داشته باشد، اعلام نقض پیمان واجب است، ولی امر یا امام باید نقض پیمان را به ایشان اعلام کند تا به صورت برابر در شکستن عهد قرار گیرند و با آنها اعلام جنگ نماید».<sup>۶۶</sup>

حضرت امیر(ع) بیان روشن دارد که خطاب به سربازان و فرماندهان سپاه خود می فرماید: «الا وانّ لکم عندی ان لا احتجز دونکم سرّاً الا فی حرب ولا اطوی دونکم الا فی حکم»<sup>۶۷</sup> آگاه باشید حق شما بر من این است که رازی را از شما پوشیده ندارم مگر در جنگ (که فاش شدن اسرار

نظامی دشمن را بر آن آگاه می‌سازد) و کاری را بدون مشورت شما انجام ندهم مگر در حکم شرع (که مشورت لازم نیست همه باید از من احکام را بیاموزند).

بنابراین در منابع اسلامی عدالت در توزیع اطلاعات پذیرفته شده، ولی این به معنای افشای اسرار نظامی و امنیتی نیست که در کلام امیر(ع) بیان حدود و ثغور آن به وضوح بیان گردیده که چه دسته مسایل به همگان گفته شود و چه مسایلی محفوظ بماند.

از ویژگیهای حضرت امام در طول دوران مبارزه و رهبری نظام، عدم پنهان کاری و صداقت با مردم است. در خاطراتی که از ایشان ثبت شده، آمده است ایامی که امام مقیم حوزه علمیه قم بودند، هر وقت مقامات دولتی برای ملاقات خصوصی وقت می‌خواستند، وقت نمی‌داد و می‌فرمود ملاقات باید عمومی باشد، و یا حتماً به یاران خود می‌فرمودند در مجلس حضور داشته باشند، از این رو همه یاران و همراهان امام هیچ سوء ظن نسبت به ایشان نداشتند و احساس توطئه و سری عمل کردن توسط امام را نمی‌دادند. چنانچه یکی از یاران امام در خاطرات خود آورده که هر یک از افراد دولتی یا منسوب به دولت برای ملاقات با امام می‌آمدند، امام می‌فرمود: «ما با هیچ کس خلوت و پنهانی نداریم، هر کس خواست در همین اطاق در جلو تمام مردم بیاید و حرف خودش را بزند»<sup>۶۸</sup> امام به این اصل اعتقاد داشت که پنهان کاری از مردم و ریاکاری و باطن با ظاهر فرق داشتن درست نیست. مهندس موسوی در خاطرات خود می‌گوید: «یک بار بحث درباره مسایل سیاست خارجی و احتیاج به مقداری کارهای دیپلماتیک و پنهان کاری داشت، با ایشان مشورت شد... ایشان فرمودند: «کاری نکنید که نتوانید به مردم توضیح دهید»<sup>۶۹</sup> این بیانات حضرت امام نشان دهنده اهمیت عدالت در توزیع اطلاعات از نظر ایشان است که با ژرف اندیشی و دقت نظر روی آن تأکید نموده است. معلوم می‌شود امام خمینی عدالت اجتماعی را در تمام ابعاد آن از نظر دور نداشته و در هر مورد سفارش و تأکید نموده است.

با یک نگاه گذرا بر آثار و اندیشه‌های حضرت امام به این نتیجه می‌رسیم که ایشان عدالت اجتماعی را از اهداف مهم بعثت انبیاء و نزول کتابهای آسمانی و حکمت الهی دانسته، احکام و قوانین اسلامی را ابزار تحقق عدالت اجتماعی به حساب می‌آورد. ابعاد مختلف عدالت اجتماعی از



نظر امام دور نمانده، در هر عرصه رهنمودها و سفارشات روشن و راه گشا دارد که به عدالت قانونی، عدالت زمام‌داران، عدالت اقتصادی و عدالت در توزیع اطلاعات، از نظر ایشان پرداخته شد. اما این به معنای حصر ابعاد عدالت اجتماعی نمی‌باشد. ابعاد دیگر باقی مانده که فرصت دیگر می‌طلبد. امیدوارم این نوشتار گام کوچکی باشد در راه آشنایی و نشر اندیشه‌های سبز و جاودانه آن بزرگوار که حق بزرگی بر گردن همگان دارد.

#### پی‌نوشتها:

۱. درآمدی بر حقوق اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه قم، انتشارات اسلامی، ص ۱۹۳.
۲. همان
۳. علی آقا بخشی، فرهنگ علوم سیاسی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، تهران، ۱۳۷۴، ص ۳۱۷.
۴. محمد تقی جعفری، شرح نهج البلاغه، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۲۲۴.
۵. سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶، چاپ ۲۲، ج ۱۲، ص ۴۷۸.
۶. مرتضی مطهری، مقاله منتشر نشده، روزنامه کیهان، شماره ۱۷۳۶۸ یکشنبه ۱۳۸۱/۲/۱۵، ص ۶.
۷. روح الله خمینی، کتاب البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، قم، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۷۲.
۸. روح الله خمینی، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۳، ص ۴۰.
۹. روح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۰۷.
۱۰. روح‌الله خمینی، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، قم، ج ۲۱، ص ۴۰۶.
۱۱. همان، ج ۵، ص ۲۷.
۱۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۰۵.
۱۳. صحیفه امام، ج ۶، ص ۴۶۱.
۱۴. صحیفه امام، ج ۶، ص ۴۶۱.





۱۵. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۱۳.
۱۶. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۲۳.
۱۷. کتاب البیع، پیشین، ج ۲، ص ۴۷۲.
۱۸. سوره حدید، آیه ۲۵.
۱۹. تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۴۴.
۲۰. سوره شوری، آیه ۱۵.
۲۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۶۸، ج ۷۵، ص ۳۲۵.
۲۲. عبدالواحد آمدی، غررالحکم، نجف اشرف، نعمان، ص ۳۹.
۲۳. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۶۴.
۲۴. همان، ج ۳، ص ۵۱۴ - ۵۱۵.
۲۵. همان، ج ۴، ص ۲۴۲.
۲۶. همان، ج ۱۱، ص ۲۲.
۲۷. همان، ج ۴، ص ۳۹۷.
۲۸. همان، ج ۵، ص ۳۸۸.
۲۹. همان، ج ۳، ص ۲۳۸ - ۲۳۹.
۳۰. همان، ج ۵، ص ۳۴۱.
۳۱. همان، ج ۹، ص ۵۹.
۳۲. غررالحکم، ص ۲۴۱.
۳۳. محمدبن حسن عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۸۷ق، ج ۱۸، ص ۱۵۶.
۳۴. نهج البلاغه، نامه ۵۲.
۳۵. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۰۴.
۳۶. همان، ج ۱۷، ص ۵۲۸.
۳۷. همان، ج ۹، ص ۴۲۵.
۳۸. همان، ج ۸، ص ۴۱۶.
۳۹. همان، ج ۲، ص ۳۶۰ - ۳۶۱.
۴۰. سور نساء آیه ۵۸.
۴۱. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۵۶.
۴۲. همان، ص ۱۵۸.
۴۳. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۳۲.
۴۴. همان، ج ۱۹، ص ۱۵۶.
۴۵. همان، ج ۱۳، ص ۱۱۶.
۴۶. همان، ج ۱۵، ص ۲۷.
۴۷. همان، ج ۱۸، ص ۲۹۴.

۴۸. همان، ج ۹ ص ۲۱۳.
۴۹. همان، ج ۱۹، ص ۳۲۶.
۵۰. همان، ج ۱۳، ص ۱۱۵.
۵۱. سوره بقره، آیه ۲۷۵.
۵۲. سوره اسراء آیات ۲۶ و ۲۷.
۵۳. سوره توبه، آیه ۳۴.
۵۴. نهج البلاغه، حکمت ۳۴۳.
۵۵. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۸۱ - ۸۲.
۵۶. همان، ج ۸، ص ۴۷۰.
۵۷. همان، ج ۸، ص ۴۷۰ - ۴۷۱.
۵۸. همان، ج ۱۰، ص ۳۴۸.
۵۹. همان، ج ۱۰، ص ۴۸۱.
۶۰. همان، ج ۲۰، ص ۳۴۱.
۶۱. همان، ج ۲۰، ص ۳۴۱.
۶۲. همان، ج ۵، ص ۳۸۲ - ۳۸۳.
۶۳. سوره انفال، آیه ۵۸.
۶۴. فضل بن حسن طبرسی، تفسیر مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۸۴۹.
۶۵. محمد حسین طباطبائی، المیزان، ترجمه فارسی، ج ۹، ص ۱۷۲.
۶۶. فخررازی، تفسیر کبیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۱۸۹.
۶۷. نهج البلاغه، نامه ۵۱.
۶۸. امیررضا ستوده، پایه پای آفتاب، تهران، نشر پنجره، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۱۴۹.
۶۹. همان، ص ۱۷۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی